

کنکاشی در کاربرد واژه «آزادی» در کتاب ادبیات فارسی پیش دانشگاهی عمومی

مهین حسن فامیان^۱، رسول بهنام^۲

^۱ عضو علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی.

^۲ استادیار گروه ادبیات دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی ارومیه.

نام نویسنده مسئول:

مهین حسن فامیان

چکیده

یکی از بزرگترین نعمت های خداوند متعال به انسان و عالی ترین منبع رشد و کمال بشر، آزادی و آزادگی است. این مهم بارها و به شکل های گوناگون، مستقیماً یا غیرمستقیم در آیات قرآن کریم و احادیث اسلامی تأکید شده است. هدف این مطالعه بررسی معانی و مضامین ابیات و عباراتی از کتاب ادبیات عمومی پیش که در آن یکی از واژه های آزادی و آزادگی به کار رفته تا معلوم گردد این کلمات بدنبال چه مضامینی هستند. برای همین منظور روش تحقیق ترکیبی با رویکرد توصیفی تحلیلی از روش های تحقیق انتخاب شده و با استفاده از ابزار کتابخانه ای و سند کاری در خصوص معانی و مضامین این واژه مطالعه و بررسی شده است. و با بررسی این موارد مشخص شد که در ادبیات پیش آن طور که لازم است از مضامین آزادی درست و درخور استفاده نشده است. و غالباً معنی رهایی از زندان و قید و بند های دنیا آمده است.

کلمات کلیدی: ادبیات، آزادی، ادبیات پیش عمومی، آزادگی.

مقدمه

کلمه آزادی در گستره وسیع ادبیات فارسی معانی و تأویل‌های مختلفی دارد که در فراخور حال و زمان و سبک خاص ادبی هر دوره و همچنین مناسبات تاریخی و اجتماعی آن به وقوع پیوسته و معنای خاص پیدا کرده است. آزادی این واژه مقدس که آدمی فطرتاً مجذوب آن است. عموماً این واژه در لفظ عوام و خاص هنگامی کاربرد بیشتری می‌یافته است که واژه‌های مقابل آن یعنی زندان، اختناق، اسیر و ... مشخصاً نمود بیشتری داشته‌اند. به طور کلی آزادی در لغت به معنی رهایی از هر قید و بندی است که انسان را از نظر جسم و جان محدود می‌کند.

در خصوص اهمیت آزادی باید اشاره شود که بر اساس آموزه‌های وحیانی اسلام هر انسانی دارای اراده بوده و حق انتخاب داشته و آزاد در گزینش خوب و بد و زشت و زیبا و حق و باطل و کفر و ایمان می‌باشد.

امیر مؤمنان امام علی(ع) با عبارتی زیبا به انسان نهیب می‌زند که (لا تَكُن عَبْدَ غَيْرِكَ و قد جَعَلَكَ اللهُ حُرّاً) ای انسان بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید. این حریت و آزادی در همه جنبه‌ها بوده است و اختصاصی به حوزه حقوقی، سیاسی و اندیشه و مانند آن ندارد.

همچنین بر اساس همین آموزه‌های وحیانی اسلام، بندگی اخلاق و خدا، عین آزادی و آزادی است چرا که خداوند در تکوین و تشریح بر آن است که انسان بتواند در بستری رشد و زندگی کند که همه فضایل و رذایل اخلاقی را رونق بخشد.

۱-۱- بیان مسأله و تبیین اهداف

آزادگی و آزادی انسان در قرآن و حدیث به کرار و شکل‌های گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است. شاعران فارسی‌گو مسلمان که خود به نوعی جزو عالمان دین هم بوده‌اند با جزئیات دین اسلام آشنایی داشته‌اند و در ادوار مختلف شعر فارسی به بیان مستقیم و غیر مستقیم اصول عبادی و اخلاقی و ... دین اسلام پرداخته‌اند.

یکی از مؤلفه‌های «آزادگی» است که در دیوان هر شاعری و هر کتابی می‌توان نمودهایی را از آن جست و پیدا کرد هر چند بسامد آن‌ها در مقایسه با هم کم است.

کتاب ادبیات پیش عمومی هم از این مؤلفه غافل نبوده است. با این اوصاف هدف اصلی مطالعه (تشخیص و تعیین واژه‌های آزادی و آزادی) جهت تبیین آن در ادبیات پیش است.

۱-۲- پرسش‌های تحقیق

سؤال اصلی این مطالعه عبارت است از:

کاربرد واژه آزادی در ادبیات پیش چگونه است؟

سؤالات فرعی که می‌تواند قابل مطرح باشد این است که:

۱. مترادفات واژه آزادی در ادبیات پیش عمومی چگونه است؟

۲. چه تعداد متضاد آزادی در ادبیات پیش به کار رفته است؟

۳. نقش دستوری واژه آزادی به چه شکل آمده است؟

۱-۳- ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش

در خصوص تبیین و توجیه آزادی و آزادی از نظر اسلام و غرب به ده‌ها مقاله و مطالعه می‌توان دست یافت. در این جا به چهار مقاله در این موضوع اشاره می‌کنم.

(آزادی و رهایی در زبان و ادبیات، علی محمد حق شناس، استاد گروه زبان شناسی تهران)

این مقاله از لحاظ نظریه (کاربرد زبان) بلو مفیلد و (نظریه پردازی و نظریه پیرایی) کارل پوپر بررسی کرده است.

(کاوشی در مضامین آزادی و آزادی در شعر بیدل دهلوی، رسول بهنام، جمال طالبی)

در این مقاله واژه آزاد و آزادی و آزاده و مضامین دیگر آن در دیوان بیدل بررسی شده است.

(نقدی بر آزادی و آزاد اندیشی در ادبیات و با تأکید بر ادوار گذشته شعر فارسی از آغاز تا قرن هشتم. دکتر محسن ایزد یار)

در این مقاله از نظر مفاهیم آزادی مورد بررسی قرار گرفته است.

بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد که در موضوع کاربرد آزادی در کتاب ادبیات فارسی پیش عمومی حقیقتاً تحقیقی صورت نگرفته است.

۲- روش شناسی، ابزار، جامعه پژوهش

این مطالعه یک تحقیق ترکیبی است که در آن با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای و جمع آوری داده ها گردآوری و تحلیل گردیده است..
در این تحقیق جامعه آماری کتاب های دوره ی متوسطه و جامعه ی نمونه کتاب ادبیات فارسی پیش عمومی است.

۳- یافته ها

با توجه به بسامد کم کاربرد واژه ی آزادی و هم خانواده ی آن در ادبیات پیش برآن شدیم که با توجه به تک تک کلمات به صورت مجزا، عبارت مربوط استخراج و تبیین و توجیه شود. از این رو در ذیل به ترتیب در مورد آزاد، آزادگی و متضاد های آن و نقش دستوری آن ذکر و تحلیل می شود.

۳-۱- آزاد

نوع دستوری این واژه صفت بوده و در معنی کسی است که بنده نباشد. معادل عربی آن (حُرّ و حُرّه) می باشد. آزاد در فرهنگ فارسی معین: ۱.رها، وارسته ۲.بی قید و بند ۳.نوعی ماهی استخوانی که گوشت قرمز و چرب دارد و بزرگی آن تا یک متر است ۴.درختی است از خانواده ناروان ۵.آن که بنده کسی نباشد ۶.مختار ۷.نجیب ۸.سالم ۹.شاد و در فرهنگ لغت دهخدا: ۱.قسمی درخت جنگلی تنومند و بلند که چوب آن برای ساختن شانه و پوشانیدن پل و سقف بنا بکار است. ۲.بادام کوهی

این واژه سه بار در ادبیات پیش عمومی به کار رفته است.

الف: آزاد در نقش صفت به کار رفته است و در معنای رها و حرّیت است.

- اکنون این مردم حق دارند که ما را ملامت کنند. بگویند: شما چگونه ادعا می کنید که قومی آزاد و مستقل هستید و حال آن که زبان خود را نمی توانید بنویسید و بخوانید.

درس بیست و هفتم (آخرین درس) ص: ۴۱

ب: آزاد در نقش صفت به کار رفته است و در معنای رهایی از قفس آمده است.

- این پرنده آزاد و رها همه جا در کویر جولان دارد.

درس بیستم (شب کویر) ص: ۸۶

ج: آزاد در نقش مسند به کار رفته است و به معنای رها و جدا از هر قید و بند است.

(آن) آزادترین گشت و گذار بود.

درس چهاردهم (بارقه های شعر فارسی) ص: ۶۲

۳-۲- آزاده

مرحوم (معین) نوع این واژه را (صفت) معرفی کرده است و آن را اصیل، نجیب، رها، فروتن، فارغ، سبک و وارسته معرفی نموده است. آزاده در فرهنگ دهخدا: لقب نودر، پادشاه پیشدادی، نام کنیزکی چنگ زن، معشوقه بهرام گور

بررسی نشان داد که این واژه در ادبیات فارسی پیش عمومی دو مرتبه به کار رفته است.

الف: آزاده در نقش مسند به کار رفته است به معنای فارغ و رهایی آمده است.

- به همین مهرورزان که آزاده اند بریزند از دام جان تارها

درس یازدهم (کیش مهر) ص: ۴۶

ب: آزاده در نقش صفت به کار رفته است در معنی سرگردان و رها به کار رفته است.

این (نی) همان مولاناست که به عنوان نمونه یک انسان آگاه و آشنا با حقایق عالم معنا، خود را اسیر این جهان مادی می بیند و «شکایت می کند» که چرا روح آزاده او را از «تستان عالم معنا» بریده است.

درس اول (نی نامه) ص: ۲

۳-۳- آزادی

آزادی با کسر با فتحه «دال» از نظر دستوری حامل مصدر بوده و در معانی حریت، جوانمردی، اصالت، نجابت، شرافت و وارستگی در ادبیات فارسی به کار رفته است.

مطالعه حاضر موید این است که این واژه دو مرتبه در ادبیات فارسی پیش به کار رفته است.

الف: آزادی در نقش مضاف الیه به کار رفته است. به معنی حریت و جوانمردی است.
- برتر از همه کتابی است در خور حیثیت انسان یعنی مردمی را نشان می دهد که در راه آزادی و شرافت و فضیلت، تلاش و مبارزه کرده و مردانگی ها نموده اند.

درس سوم (کاوه دادخواه) ص: ۲۰

ب: آزادی در نقش معطوف (مفعول) به کار رفته است. به معنی نجابت و شرافت است.
- دیشب انسانیت عمیق، چنین پشتوانه ای نداشت و امشب کهن ترین رشته کوه هایی که حافظ مرز انسانیت اند در این تاریک زار صف کشیده اند. آری قرن ها عظمت و آزادی را در میان نهاده بودند.

درس نهم (سپیده آشنا) ص: ۴۱

۳-۴- آزادی

آزادی از نظر دستوری حامل مصدر است و در معانی نظیر حریت، اختیار، خلاف بندگی و قدرت عمل و ترک عمل در ادبیات ایران به کار رفته است.

۱. آزاد بودن، رها بودن از قید و بند، زندانی یا اسیر نبودن

۲. رهایی، خلاصی

۳. حق انجام دادن افکار و خواسته ها بر اساس اراده خود

۴. جوانمردی

۵. گسستگی از تعلقات وارستگی

۶. بنده نبودن

۷. نقطه مقابل اسارت، بندگی، رقیت آمده است.

آزادی در نقش مضاف الیه (مفعول) به کار رفته است. خلاصی و رهایی از قید و بند آمده در معنای آن است.
- امشب در این پهنه موحش، مردن بزرگی سر به آستان شهادت نهاده اند که شعار آزادی بخشی (ان لم یکن لکم دین فکونوا احراراً فی دنیاکم) را که به همراه فریادهای شباهنگ رهبرشان در میدان کارزار طنین می افکند.

درس نهم (سپیده آشنا) ص: ۴۰

۳-۵- متضاد های آزادی

از متضاد های آزادی فقط دو واژه زندان و اسیر به کار رفته است.

الف- زندان

در فرهنگ لغت فارسی عمید به معنای جایی که محکومان و تبهکاران را در آن جا نگه می دارند.
محبس: بندیخانه مترادفات آن: اسارتگاه، بازداشتگاه، بند، بندیخانه، توقیفگاه، حبس، دوستاق، دوستاق خانه، سجن، سلول، سیاهچال، محبس، هلفدونی آمده است.

زندان در نقش متمم به کار رفته است. به معنای قید و بند و اسارت آمده است.

- از آن پس که از این زندان خاکی و زندگی رنج و بند و شکنجه گاه و درد با دست های مهربان مرگ، نجات یابند.

درس بیستم (شب کویر) ص: ۸۶

ب- اسیر:

در فرهنگ فارسی عمید ۱. گرفتار ۲. بندی، زندانی ۳. کسی که در جنگ به دست دشمن گرفتار می شود. همین طور در معانی بازداشت، بندی، در بند، دستگیر، زندانی، محبوس، برده یا بند، دستخوش، گرفتار و مبتلا به کار رفته است.

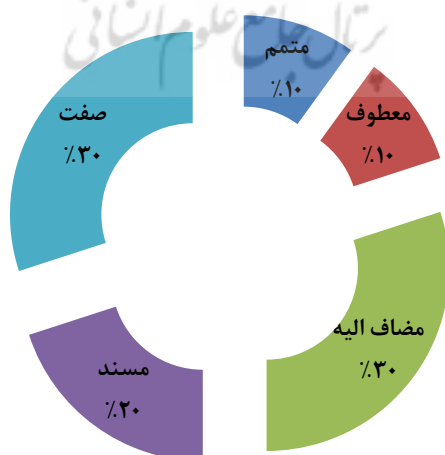
اسیر در نقش مضاف الیه مفعول به کار رفته است و در معانی محبوس و گرفتار و مبتلا است.

- آسمان کویر این نخلستان خاموش و پر مهتابی که هرگاه مشت خونین بی مهتاب قلم را در زیر باران های غیبی سکونش می گیرم و نگاه های اسیرم را همچون پروانه های شوق در این مزرع سبز آن دوست شادم رها می کنم.
 درس بیستم (شب کویر) ص: ۸۷

نمودار کاربرد واژه ی آزادی و هم خانواده و متضادش



نمودار بسامد دستوری واژه آزادی



نتیجه گیری و پیشنهاد

این مطالعه بیشتر تأکید کرد که در ادبیات فارسی کمتر به واژه آزادی و آزادگی توجه شده است. مضامینی نظیر آزاده، آزادگی به معنی رهایی و حرّیت به کار رفته است. همچنین زندان و اسیر هم که متضاد های آن هستند در معنای قید بند دنیوی و گرفتار شدن و مبتلا شدن آمده است.

پیشنهاد می‌گردد که در ادبیات پیش دانشگاهی عمومی بیشتر به واژه آزادی و مضامین آن پرداخته شود و همچنین در تعداد کاربرد آن واژه، زیرا بسامد آن با توجه به مقطع تحصیلی آن کم آمده است.



منابع و مراجع

- [۱] حق شناس، محمد علی، آزادی و رهایی در زبان و ادبیات. تهران. ۱۳۸۳ فصلنامه مطالعات و تحقیقات ادبی
- [۲] بهنام رسول. ۱۳۹۵. کاوشی در مضامین آزادی و آزادگی در شعر بیدل دهلوی، کنفرانس بین المللی پیشرفت در علوم و تکنولوژی. لندن
- [۳] برومند سعید، جواد ۱۳۸۳، مفهوم آزادی در ادبیات فارسی، تهران، ماهنامه فرهنگ عمومی
- [۴] محسن سیف آبادی، حسین، ۱۳۹۳، جایگاه مفهوم آزادی در اندیشه امام خمینی، تهران، دو فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی